

## حزب ملت ایران

### دفتر اروپایی

## کودتای ۲۸ مرداد

### بزرگترین ضربه بر نظام مشروطه

« جای بسی تأسف است که کودتای ۲۸ مرداد سبب شد امتیازی که طبق قانون ملی شدن صنعت نفت از بین رفته بود با توجیحات شاهنشاه تجدید شود و یکسال هم بر سی و دو سال سابق بیفزاید. بطور خلاصه قرارداد جدید را کنسرسیوم تنظیم کرد و مجلس شورای ملی هم کور کورانه آن را تصویب نمود. »

دکتر محمد مصدق

هم مین

پنجاه و یک سال از کودتای ننگین ۲۸ مرداد که سقوط دولت ملی دکتر مصدق را در پی داشت می گذرد. کودتایی که با برنامه ریزی و همیاری دولت های انگلیس و آمریکا و عوامل خود فروخته داخلی انجام گرفت و موجب شد تا بیست و پنج سال استبداد واپسته بر ایران حاکم گردد. لکه ننگی که هیچگاه از صفحه های تاریخ کهن ما پاک شدنی نیست. آنچه امروزه بر کشور ما می گذرد بازده همان کودتای ننگین است.

برای رسیدن به استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و رفاه و ترقی، لازم است هر ملت مبارز تاریخ گذشته خود را خوب بداند و با درس گرفتن از علت شکست ها و پیروزی ها راه آینده را هموار سازد. آنهایی که می گویند گذشته را باید به گذشته سپرد یا از روی سادگی می گویند و یا از روی غرض و کینه با نهضت ملی ایران. اگر ملت ما بویژه رهبران و سازمان های سیاسی، علت و علل شکست انقلاب مشروطه و جنبش ملی شدن صنعت نفت را بخوبی مورد بررسی قرار می دادند و از چند و چون آن بدرستی آگاهی می یافتند هیچگاه انقلاب ۲۲ بهمن اینگونه به کژراهه کشیده نمی شد تا هوا داران نظام پیشین چنین گستاخانه وارد میدان شده و از ملت ایران طلبکار هم شوند. باید از این مدعیان مشروطه طلب پرسید. در آن ۲۵ سالی که قانون اساسی مشروطیت زیر پا نهاده شد و همه آحاد ملت بویژه قوای مجریه و مقننه بجای پیروی از قانون اساسی پیرو د

منویات ذات اقدس شاهانه « شده بودند شما کجا تشریف داشتید که امروز به یاد مشروطیت افتاده اید ؟ زمانی که آزادیخواهان و طرفداران اجرای کامل قانون اساسی در زندان و یا تبعید و یا اینکه خانه نشین شده بودند ، شما چرا ساکت و ناظر آن همه قانون شکنی بودید . اکنون که ملت ایران خط بطلان برنظام پیشین کشیده است شما به یاد مشروطه افتاده اید . !! آیا مسبب سیه روزی امروز ایران کیست ، جز آخرین پادشاه پهلوی و شما هوادارانش . باره ها گفته و بار می گوئیم ، زمانی که فرمان " ملوکانه " درب سازمان های سیاسی و سندیکاهای کارگری بسته شدند و قلم ها شکسته و دهان ها دوخته گشت تا صدایی از آزادی و عدالت به گوش ها نرسد و فقط در جامعه " خاندان جلیل " همه کاره گردند و مردم بخصوص حاشیه نشینان شهرها در بیخبری مطلق بسر برند و خبرها پس از گذشتن از صافی " ساواک " به آکاهی همگان برسد ، در مقابل درب مساجد ، تکیه ها ، حسینیه ها و انجمن های ریز و درشت اسلامی به روی مردم از همه جا رانده شده ، باز باشد و مردم ولاه عدالت و آزادی را فقط از این پایگاه ها بشنوند ، نتیجه آن می شود که امروزه همگان شاهد آییم .

آنهايي که کودتای ننگین ۲۸ مرداد را « رستاخیز ۲۸ مرداد » می خوانند آیا نمی دانند ، برادران رشیدیان و کانون افسران بازنشسته و اوباش چاقو کشانی چون طیب حاج رضایی ، حسین رمضان بختی ، اصغر خالدار ، ناصر جیگرکی ، شعبان بسی مخ وو ، ... ، زنان بدکاره ای چون ، ملکه اعتضادی ، پری آجودان قزی وو ، ... ، روحانیون عالیقدری چون آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی ، آیت الله سید محمد بهبهانی ، آیت الله شیخ احمد کفائی خراسانی ، آیت الله شیخ بهاءالدین نوری ، حجت الاسلام و المسلمین شمس قنات آبادی ، حجت الاسلام محمدتقی فلسفی وو ، ... ، سازمان فدائیان اسلام ، مجمع مسلمانان مجاهد و در خفا حضرت آیت الله العظمی بروجردی و خود فروختگان سیاسی ، دکتر مظفر بقایی ، حسین مکی ، حاکری زاده ، علی زهری ، میرانشاهی وو ، ... ، بودند که علیه نهضت ملی ایران وارد میدان شدند تا فرامین کرومیت روزولت را مو بمو بمرحله اجرا در آورند . متأسفانه پادشاه ایران هم حاضر به همکاری با بیگانگان شد همانگونه که خود در کتاب ، پاسخ به تاریخ « به آن اشاره می نمایند و خواهر گرامی شان خانم اشرف یلوی در کتاب « چهره هایی در آینه » به نقش خود در این توطئه ننگین و همکاری با ماموران سازمان های جاسوسی انگلستان و آمریکا به روشنی اشاره می نمایند . افزون بر این در این چندسال محققان و دست اندر کاران و برنامه ریزان کودتا ، با مصاحبه و انتشار خاطرات خود نقطه ابهامی در این باره بجا نگذاشته اند . حال کسانی پیدا می شوند که کاسه داغ تر از آتش شده و در کمال

وفاقت کودتای ۲۸ مرداد را « رستاخیز ملی » می نامند . گروهی هم براین باورند که دکتر مصدق و ۲۸ مرداد مربوط به گذشته است امروز باید فکر رهایی کشورمان از زیر سلطه استبداد بود . گویا فراموش کرده اند که گذشته چراغ راه آینده است . اگر اعلیحضرت محمدرضا شاه به نصایح دکتر مصدق گوش می دادند و فریب قدرت های خارجی را نمی خوردند و جهت برکناری دولت ملی ایران با آنها همکاری نمی کردند ، دچار عاقبت چنان غم انگیزی نمی شدند که در غربت از دنیا بروند و ملت ایران هم به چنین سرنوشتی شومی دچار شوند .

دکتر مصدق در بیدادگاه نظامی ضمن دفاع از نهضت ملی ایران چنین گفت .

« نظر خارجی ها این است که ایران نفهم ، بیچاره و فقیر بماند . وقدرت شاه را زیاد کنند تا هرچه می خواهند به دست او انجام دهند و هر وقت تخلف کرد او را بهرند و دیگری را جای او بگذارند . آنها نمی خواهند ملت فهمیده باشد چون ملت را نمی توان از بین برد ولی شاه را بسهولت می شود برد همانطور که احمد شاه و رضا شاه را بردند . من مخالف شاه نیستم ، می خواستم شاهنشاه بر ملتی سلطنت کند که در اعداد ملل مستقل و آزاد دنیا قرار گیرد و اگر روزی به شاه گفتند برو بگویند من شاه این مملکت هستم و هیچ کجا نمی روم »

همگان دیدیم که پس از بیست و پنج سال این گفته آزاد مرد تاریخ ایران زمین به حقیقت پیوست . امروز باید همه شخصیت های و سازمان های سیاسی ایستاده بخود با آگاهی دقیق از شکست های انقلاب مشروطه ، نهضت ملی شدن صنعت نفت و انقلاب ۲۲ بهمن ، دست بدست هم داده و با همت هم کشورمان را از ورطه سقوط رهایی بخشیم و تا رسیدن به آزادی ، عدالت اجتماعی و نظامی مردم سالار در کنار هم باشیم و با بینش و درایت بر گرفته از شکست های گذشته اجازه ندهیم در همبستگی ما خلی وارد آورند باید همگان این حقیقت را همواره مدنظر داشته باشیم که گذشته چراغ راه آینده است .

درد بر روان مصدق بزرگ پیشوای نهضت ملی ایران

درد بر روان جانباخته راه آزادی ایران زمین دکتر حسین فاطمی

درد بر روان داریوش و پروانه فروهر جان باختگان راه آزادی و شرف

درد بر زندانیان سیاسی و دانشجویان مبارز

سه شنبه ۱۳۸۲/۰۵/۲۷ خورشیدی

دفتر اروپایی حزب ملت ایران